

Receive Date:
19/04/2022

Accept Date:
28/08/2022



**Research
Article**

Vol.18, No. 2, Serial 34

Autumn & Winter
2022

pp.: 35-50

Critical Analysis of the Challenges of Literacy Movement Education from Teachers' Perspective in Kurdistan Province and Presenting Solutions (Phenomenological Study)

DOI: <https://dx.doi.org/10.22070/TLR.2022.16158.1256>

Mazhar Babae^{*1}, Kowsar Azizian², Asra Zare³

1. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University. Sanandaj, Iran. (Corresponding Author)
Email: Mazharbabaee@gmail.com
2. Expert in Educational, Farhangian University, Sanandaj, Iran.
Email: kowsar.azizian79@gmail.com
3. Expert in Educational, Farhangian University, Sanandaj, Iran.
Email: asra77zare@gmail.com

Abstract

Introduction: This study aims to analyze the challenges of literacy movement education from teachers' perspective in Kurdistan Province and present solutions from them.

Method: To this goal, descriptive-analytical and phenomenological research methods were used. The research population included the literate students of Farhangian University of Kurdistan province during 2022-2021 with a history of working in the literacy movement, who were selected by the available sampling method. The data collection tool was a researcher's semi-structured interview, which was conducted with twelve teachers with the criterion of saturation. To achieve the findings, it was done in two steps.

Results: The first step: identifying the challenges that were put into three categories:

1. Challenges facing teachers, such as difficulty in finding literate students, lack of job security for teachers in this field,
2. Challenges related to literate students include high age and lack of motivation
3. Challenges in the administrative field such as lack of facilities and lack financial support.

The second step was to provide solutions to overcome the challenges, such as: making people aware of the importance of literacy in today's world, offering incentives and incentives to literate students, increasing the job status of the movement's teachers, and supporting education in attracting people with disabilities. Literacy, planning and creating employment for literate people, increasing the duration of classes, and making it mandatory for people to attend classes.

Discussion and Conclusion:

Keywords: Challenges, Literacy Movement, Literate Students, Phenomenology

تحلیل تجارب زیسته‌ی معلمان نهضت سوادآموزی در استان کردستان از چالش‌های این دوره و ارائه راه‌کارها (مطالعه‌ای پدیدارشناسانه)

DOI: <https://dx.doi.org/10.22070/TLR.2022.16158.1256>

مظهر بابایی*^۱، کوثر عزیزیان^۲، اسرا زارع^۳

۱. استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: Mazharbabaee@gmail.com
۲. کارشناس علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، سنندج، ایران
Email: kowsar.azizian79@gmail.com
۳. کارشناس علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، سنندج، ایران.
Email: asra77zare@gmail.com

چکیده

مقدمه: هدف پژوهش حاضر، تحلیل چالش‌های آموزش‌های موسوم به نهضت سوادآموزی از منظر معلمان این مقطع در استان کردستان و بیان راه‌کارهای خروج از آن است. برای دستیابی به این هدف، از روش‌های پژوهش توصیفی-تحلیلی و پدیدارشناسی، بهره برده شد. میدان پژوهش، شامل سوادآموزان دانشگاه فرهنگیان استان کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ با سابقه کار در نهضت سوادآموزی بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته محقق ساخته بود که با دوازده نفر از معلمان با معیار اشباع‌یافتگی پاسخ‌ها، مصاحبه صورت گرفت. برای دستیابی به یافته‌ها در دو گام عمل شد. گام نخست: شناسایی چالش‌ها که خود در سه دسته قرار دادند:

۱. چالش‌های پیش‌روی معلمان، مانند: دشواری یافتن سوادآموزان، نداشتن امنیت شغلی برای معلمان این حوزه،
 ۲. چالش‌های مربوط به سوادآموزان مانند: سن بالا و نداشتن انگیزه
 ۳. چالش‌های حوزه اداری مانند: نداشتن امکانات و تامین نبودن از لحاظ مالی.
- گام دوم، ارائه راه‌کارهایی برای برون رفت از چالش‌ها بود مانند: آگاه کردن مردم از اهمیت سواد در دنیای امروز، ارائه امتیازات و بسته‌های تشویقی به سوادآموزان، افزایش جایگاه شغلی معلمان نهضت، حمایت آموزش و پرورش در جذب افراد بی‌سواد، برنامه ریزی و ایجاد اشتغال برای مردم سوادآموزخته، افزایش مدت زمان کلاس‌ها و اجباری کردن حضور افراد در کلاس‌ها.

کلیدواژه‌ها: چالش‌ها، نهضت سوادآموزی، سوادآموزان، پدیدارشناسی.

نشریه علمی

پژوهش‌های آموزش و یادگیری

دوره ۱۸، شماره ۲، پیاپی ۳۴
پاییز و زمستان ۱۴۰۰
صص: ۳۵-۵۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

مقاله پژوهشی

Journal of

Training & Learning Researches

Vol.18, No. 2, Serial 34

Autumn & Winter
2022

pp.: 35-50

مقدمه

توسعه فرهنگی و اقتصادی هر کشور دغدغه اصلی و مهم سیاستگذاران آن کشور است. یکی از راهبردهای توسعه اقتصادی و فرهنگی، ارتقای سطح آگاهی مردم است و این مهم نیاز جامعه به سواد در هر مقطع سنی است. قرن ۲۱ را قرن مغز نامیده‌اند و سواد می‌تواند تاثیر بسیار زیادی بر توانایی ذهنی داشته باشد.

بی‌سوادی یکی از معضلات مهم تمام کشورها و ملت‌ها است و در نقطه مقابل، سوادآموزی به جهت فواید بی‌شماری که به همراه دارد، همواره در گستره تاریخ از اهمیت ویژه‌ای نزد سیاست‌گذاران و مردم برخوردار بوده است. لذا حل موضوع بی‌سوادی، توسعه سوادآموزی و گسترش آموزش همگانی در هر جامعه یک ضرورت اجتماعی، اخلاقی و انسانی محسوب می‌گردد. در ایران نیز توجه به سوادآموزی و ضرورت تداوم آن در مراحل مختلف زندگی از دیرباز مورد تأکید بوده و هست. در واقع یکی از شرایط رشد و توسعه، ارتقای سطح دانش و آگاهی‌های عمومی جامعه است. بدون شک سواد و میزان تحصیلات افراد می‌تواند مهم‌ترین نقش را در ایجاد این آگاهی‌ها ایفا نماید. البته علی‌رغم این تأکیدات هنوز هم افراد زیادی در جهان و کشور ما بی‌سواد و عده بی‌شماری نیز کم-سواد هستند در ایران سال‌هاست که سوادآموزی موضوع برنامه‌های مختلف است و دولت‌های وقت، سوادآموزی جمعیت بی‌سواد کشور را همواره یکی از اولویت‌های ملی اعلام کرده‌اند. [۱]

آموزش بزرگسالان به معنای عام خود، همواره وجود داشته و انسان‌ها در طول تاریخ از تجارب یکدیگر درس‌ها آموخته‌اند و این دانش و آگاهی را از نسلی به نسل دیگر انتقال داده‌اند. با این وصف، آموزش بزرگسالان از قرن هجده به عنوان نوعی خاص از آموزش مطرح گردید و در قرن نوزدهم و بیستم، به صورت بخشی مشخص و جداگانه از آموزش و پرورش رسمی توسعه یافت. بدین ترتیب، آموزش بزرگسالان با سوادآموزی آغاز شد، اما به تدریج تغییراتی اساسی در مفاهیم، روش‌ها، ایدئولوژی و محتوای آن ایجاد گردید. (۱۹) نظر به اینکه سوادآموزی به عنوان یک شرط اجتناب‌ناپذیر برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و بهبود شرایط

زندگی انسان‌های محروم از سواد است. تنها راه حل اصولی مقابله با معضل بی‌سوادی تدوین برنامه‌هایی است که از حیث محتوی و روش‌های آموزشی و شرایط اجرایی با نیازها و شرایط خاص گروه‌های شرکت‌کننده متناسب باشد.

از سال ۱۹۴۹ که نخستین کنفرانس بین‌المللی بزرگسالان در دانمارک تشکیل شد، تاکنون در زمینه آموزش بزرگسالان فعالیت‌های بسیاری صورت گرفته و اشاعه و گسترش فراوان یافته است. از علایم اشاعه آموزش بزرگسالان، تنوع گسترده برنامه‌های آموزشی و توسعه آن‌ها در سراسر جهان است. در سال ۱۹۸۵ در کنفرانس آموزش بزرگسالان، سازمان یونسکو^۱ در «اعلامیه آموختن^۲» آموزش بزرگسالان به عنوان ضرورت اخلاقی دانسته شد [۸].

سیمپسون^۳ آموزش بزرگسالان^۴ را به این صورت تعریف می‌کند: «آموزش بزرگسالان کوشش آگاهانه جامعه است که از طریق مؤسسات عمومی یا سازمان‌های داوطلب برای اعتلای سطح آگاهی افراد جامعه به عمل می‌آید، به این ترتیب امکانات و وسایل یادگیری در اختیار افرادی قرار می‌گیرد که در سنین مختلف هستند و فرصت استفاده از تعلیمات ابتدایی و ضروری را در مدارس و دانشگاه‌ها نداشته‌اند و یا آموزش حرفه‌ای آنان قبل از وقت قطع شده است و مشتاق فراگیری مطلبی درباره موضوعی برای رسیدن به هدفی معین هستند، به شرط اینکه مغایرتی با اصول دموکراسی جامعه نداشته باشد». [۲]

ادبیات اخیر این حوزه نشان می‌دهد که یادگیری بزرگسالان، خود یک ویژگی و فرایند توسعه‌ای است. همان‌طور که در مورد جوانان صادق است، یادگیری بزرگسالان "تغییر رفتار، کسب دانش یا مهارت، و تغییر یا ساختار مجدد دانش قبلی است. چنین یادگیری همچنین می‌تواند به معنای تغییر مثبت در درک خود یا در توسعه ویژگی‌های شخصی مانند مکانیسم‌های مقابله باشد [۳]

با شروع پژوهش‌های رفتاری در دهه‌های اولیه قرن بیستم، نظریه یادگیری بزرگسالان در آمریکای شمالی بر روی یادگیرنده فردی، چگونگی پردازش اطلاعات توسط این یادگیرنده و چگونگی یادگیری، فرد را قادر می‌سازد تا از قدرت و استقلال بیشتری برخوردار شود. این آگاهی با تزریق نظریه شناختی موقعیتی، نظریه فمینیستی، نظریه اجتماعی

ادامه تحصیل داشته‌اند. دسته اخیر، بیشتر در مدارس مخصوص بزرگسالان ثبت‌نام کرده و بعد از شرکت و موفقیت در امتحانات مربوطه، می‌توانند مدارک مرتبط را دریافت نمایند. از منظر اداری، مدارس بزرگسالان، زیر مجموعه واحد متوسطه است. با وجود این، در این مقاله، منظور از بزرگسالان، تنها افرادی با سن بالا و شرکت‌کننده در دوره‌های نهضت سوادآموزی است نه افراد شرکت‌کننده در مقطع بزرگسالان.

^۱ UNESCO.

^۲ Learning Announcement.

^۳ Simpson.

^۴ دوره نهضت سوادآموزی، معمولاً مخصوص افراد بی‌سواد و یا کم‌سواد بوده و تنها در مقطع ابتدایی عرضه می‌شود. اما آموزش بزرگسالان مخصوص کسانی است که معمولاً مقطع ابتدایی را تمام کرده و بنابه دلایل مختلف، ترک تحصیل کرده و در سن قانونی خود قادر به ادامه تحصیل نبوده‌اند و بعدها مجدد قصد

بینیه‌ای صادر می‌کند، تا یک اروپای یادگیرنده ایجاد کند: اروپایی که قادر به برخورد مثبت با آینده با تمام مهارت‌ها، دانش و شایستگی‌های لازم است. در این میان، آموزش بزرگسالان در جوامع مختلف، همواره می‌تواند به تغییر زندگی و دگرگونی جوامع مختلف کمک کند، این حق انسانی و یک حساسیت عمومی است. با این حال، برای انجام این کار، باید سرمایه‌گذاری‌های عظیم عمومی در سازمان‌های آموزش بزرگسالان و فراگیران بزرگسال انجام شود. آموزش بزرگسالان نیز باید به طور واضح در یک استراتژی کلی یادگیری مادام‌العمر گنجانده شود که به همه بخش‌ها و همه اشکال یادگیری اهمیت یکسانی دهد [۶]. بعد از این روند، توجه پژوهشگران به حوزه آموزش بزرگسالان بیشتر جلب شد و پژوهش‌هایی در این خصوص صورت گرفت که به برخی از آنها اشاره می‌شود. امارسلا میلانا^۴ و همکارانش (۲۰۱۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «آموزش و یادگیری بزرگسالان» عنوان کردند که در تأیید سهم آموزش و یادگیری بزرگسالان در دستور کار ۲۰۳۰ نباید آموزش را به یادگیری کاهش داد، بلکه باید آن‌ها را عناصر جدایی‌ناپذیری دانست که افراد را به زندگی پیچیده اجتماعی خود متصل می‌کند. به طور مشابه، این استدلال از محققان و مربیان می‌خواهد تا از بحث در مورد شاخص‌ها صرفاً به یک مسئله فنی یا ایدئولوژیکی خودداری کنند، [۱۴]. نتایج مقاله‌ی سیلک وانسلمبروک^۵ و همکارانش (۲۰۱۸) تحت عنوان «تجزیه و تحلیل عمیق دانش‌آموزان بزرگسال در محیط‌های ترکیبی» (آیا آن‌ها یادگیری خود را با روش " مدرسه قدیمی" تنظیم می‌کنند؟)، نشان می‌دهد که آن‌ها (۱) با استفاده از استراتژی‌های سازماندهی و تمرین یاد می‌گیرند.

(۲) از نظر زمان، تلاش و محیط انعطاف‌پذیر هستند و (۳) استراتژی‌های مختلف کمک‌رسانی را گزارش می‌کنند.

با وجود این، آن‌ها مواد یادگیری آفلاین را ترجیح دادند و از چند استراتژی خودانگیزی استفاده کردند. این یافته‌های نکاتی را برای معلمان آنها (بزرگسالان) جهت حمایت و ارتقای مهارت‌های خود تنظیمی دانش‌آموزان‌شان ارائه می‌دهد که شامل تاکتیک‌هایی مانند الگوهای موثر در انجمن‌ها برای تسهیل فرآیندهای کمک‌رسانی به این دسته از شاگردان است. [۱۵]. سر انجام، پاول ج مون (۲۰۰۶) در «هدف آموزش بزرگسالان»، ادعا می‌کند که آموزش بزرگسالان

انتقادی و نظریه‌پست مدرن پرورش یافت. برای بخش عمده-ای از قرن بیستم، یادگیری بزرگسالان به عنوان یک فرآیند شناختی درک می‌شد، فرآیندی که در آن ذهن حقایق و اطلاعات را در اختیار می‌گرفت و همه آن‌ها را به دانش تبدیل می‌کرد که بعداً با تغییر رفتار بعدی مشاهده می‌شد [۹]. از همین‌رو، پرداختن به حوزه و مسئله سواد و سوادآموزی در زندگی انسان اهمیت بسیار زیادی دارد؛ زیرا جامعه امروز بشر، رو به پیشرفت و تکنولوژی قدم گذاشته و نداشتن سواد می‌تواند کنار آمدن با پیشرفت و تغییر سریع جامعه را سخت کند. هدف آموزش بزرگسالان ارائه فرصت پیشرفت برای بزرگسال به عنوان یک فرد در حال بلوغ و کمک به او در یادگیری نحوه مشارکت در روند تمدن است. [۴].

آموزش بزرگسالان، البته نه تنها در کشور ما؛ بلکه به عنوان یک موضوع جهانی همواره مطرح بوده است. در این خصوص اسپلیدینگ معتقد است که «امروزه، آموزش بزرگسالان بر مهارت‌های شغلی متمرکز است. سوادآموزان مستحق این هستند که آنچه را که خود می‌خواهند یاد بگیرند و مهارتی که به دنبال آن هستند به آن‌ها آموزش داده شود» [۵].

سازمان یونسکو در ۲۶ اکتبر ۱۹۶۶ میلادی در چهاردهمین نشست کنفرانس عمومی یونسکو^۱، ۸ سپتامبر را روز جهانی سوادآموزی (مبارزه با بی‌سوادی) نامگذاری کرد و دلیل این نامگذاری نشان دادن اهمیت سواد برای افراد و جوامع بود. روز جهانی سوادآموزی یک رویداد سالانه است که در سرتاسر جهان به روش‌های مختلفی جشن گرفته می‌شود. مدیر کل وقت یونسکو، ایرینا بوکووا^۲، به مناسبت روز جهانی سوادآموزی پیامی را خطاب به طرفداران سواد و سوادآموزی گفتند که مضمون آن این است: «امسال، روز جهانی سوادآموزی به طور خاص بر رابطه بنیادین بین سوادآموزی و صلح متمرکز شده است. این رویکرد با شرایط آشفته ما در این مقطع زمانی، بسیار همخوانی دارد. کشورهایی که خشونت در آن‌ها متداول است، دارای کمترین نرخ سوادآموزی در جهان‌اند. مناقشات همچنان از عمده‌ترین موانع برای دستیابی به "آموزش برای همه" و اهداف توسعه هزاره می‌باشد. کشورهای متأثر از جنگ، بیش از ۴۰ درصد از جمعیت خارج از مدرسه دوره ابتدایی را در جهان تشکیل می‌دهند. [۱۶].

اتحادیه اروپا برای آموزش بزرگسالان (EAEA)،

⁴ Silke Vanslambrouck

⁵ Paul J. Moon

¹ The 14th session of the General Conference of UNESCO.

² Irina Georgieva Bokova.

³ Marcella Milana.

یزد» به این نتیجه رسیدند که بین نمره‌های آموزشیاران در گرایش به مکاتب فلسفی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بیشترین وابستگی فکری و عاطفی آموزشیاران به فلسفه پیشرفت‌گرایی و رفتارگرایی و کمترین وابستگی فکری و عاطفی آن‌ها به فلسفه لیبرالیسم سنتی (محافظة کارانه) است. عامل‌های مدرک تحصیلی، شهر محل سکونت و اثر متقابل مدرک تحصیلی و شهر محل سکونت تفاوت معنی‌داری را در گرایش آموزشیاران به فلسفه‌های آموزشی ایجاد نمی‌کنند. در نهایت پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد این آموزشیاران ارائه شده است. [۴]

انگیزش نیرویی است که انسان را به سوی هدف و فعالیت خاصی سوق می‌دهد و به علت یا چرایی رفتار اشاره دارد. انگیزش به یک حالت درونی اطلاق می‌شود که شخص را ترغیب می‌کند تا به رفتارهای خاصی مشغول شود. همچنین می‌توان به عنوان نیروی محرک فعالیت‌های انسان و عامل جهت‌دهنده‌ی آن تعریف کرد. (۲۰) در این حال باوجود فراهم بودن نسبی آموزش‌های اولیه برای افراد، دست‌کم در مقطع ابتدایی و حتی تا مقطع متوسطه، برخی از افراد بنا به دلایلی از جمله به دنبال یافتن کار و یا انگیزه‌های شخصی و یا شرایط خاص اجتماعی خود، به ناچار به هنگام دانش‌آموزی خود، اقدام به ادامه تحصیل نکرده و بعدها با فراهم بودن نسبی موقعیت کاری خود، احتمالاً مجدداً تمایل به ادامه تحصیل پیدا می‌کنند. به بیان دیگر، این افراد چون فاقد هرگونه سطح سوادی هستند، به ناچار عملاً در جامعه با مشکلات خاص مواجه می‌شوند. به طوری که در دنیای مدرن امروز برای برگزاری برخی از امور زندگی خود به مهارت‌های خاصی نیاز پیدا می‌کنند. در نتیجه «بسیاری از بزرگسالان به دلایل روشن و واضحی به سوی یادگیری می‌آیند. به آن‌ها یادگیرندگان عمل‌گرا می‌گویند. آن‌ها می‌خواهند یاد بگیرند تا به آن‌ها کمک کند که مشکلاتشان را حل کنند، مهارت‌های جدیدی را پایه‌ریزی کنند، در شغلشان پیشرفت کنند و دوستان بیشتری پیدا کنند. در کل یادگیری را برای انجام دادن، به عمل رساندن و تصمیم‌گیری در برخی موارد می‌خواهند. این چیزی است که برای آن‌ها ارزش واقعی را دارد. سؤال غالبی که دانش‌آموزان بزرگسال از هر آموزگاری می‌پرسند این است: "آیا شما واقعا می‌توانید به من کمک کنید؟" [۷]. از همین رو، مجدد به ادامه تحصیل در مقطع نهضت سوادآموزی روی می‌آورند.

باوجود این، این مقطع آموزشی و تحصیلی، همواره با چالش‌هایی روبه‌رو است. چالش‌هایی در حوزه کمیّت و در حوزه کیفیت، هم مربوط به معلّم‌ها و هم در حوزه سوادآموزان و البته در حوزه اجرا و برنامه‌ریزی و... چالش‌هایی

می‌تواند با آماده‌سازی مناسب بزرگسالان برای ارتباط موثرتر، واقع‌بینانه و عاقلانه با نشانگرهای تاریخی، در صورت وجود داشتن زمینه‌ی آن، به طور قابل توجهی به بشریت کمک کند. بنابراین، برای شروع چنین مجموعه‌ای از ویژگی‌های تحسین‌برانگیز در بزرگسالی، پیشنهاد می‌شود که آموزش بزرگسالان باید خود را درگیر کسب و انتشار اطلاعاتی کند که منجر به ادغام منطقی آن چیزی می‌شود که درست، با فضیلت و بی‌زمان است. [۱۳]

این امر البته در ایران هم دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای است. به طوری که بعد از انقلاب اسلامی، امام خمینی در پیامی که در هفتم دی ماه سال ۱۳۵۸ صادر کردند، فرمودند: «مایه بسی خجالت است که در کشوری که مهد علم و ادب بوده و در سایه اسلام زندگی می‌کند که طلب علم را فریضه دانسته است، از نوشتن و خواندن محروم باشد. ما باید در برنامه دراز مدت، فرهنگ وابسته کشورمان را به فرهنگ مستقل و خودکفا تبدیل کنیم.» [۱۰]. با صدور این فرمان، آموزش در حوزه نهضت سوادآموزی شروع شد. بعد از شکل‌گیری نهضت و گذشت مدتی از آن، در خصوص کم و کیف آن پژوهش‌هایی در داخل کشور صورت گرفت که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. رضانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «چالش‌های آموزش بزرگسالان و راهکارهایی جهت بهبود پژوهش زمینه‌ای» به این نتیجه دست یافتند که سازمان نهضت سوادآموزی باید عوامل زمینه‌ای، محیطی و علمی حاصل از پژوهش حاضر را در نظر داشته باشد و در بازبینی مجدد برنامه‌های پیش‌رو، عوامل درگیر در این حوزه، به موارد خاص در برنامه‌ریزی خود توجه کند [۱۲]. هم‌چنین رشید احمدرش (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «تاریخ سوادآموزی، مطالعه موردی، سوادآموزی در استان کردستان» به این نتیجه رسید که آموزش‌های امروزی تداعی‌کننده و طوطی‌وار است و جایی برای تفکر و چالش یادگیرنده باقی نگذاشته است؛ این امر در حالی است که در مقایسه با آن، مدل امروزی آموزش، بیشتر مبتنی بر آراء نظریه‌پردازان گشتالتی است که تفکر خلاق بارآور را مورد توجه قرار داده است. [۱] میحث کیفیت آموزش بزرگسالان نیز توسط رضایی (۱۳۸۷) با عنوان «کیفیت آموزش بزرگسالان مقطع راهنمایی شهر اصفهان»، به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان مقطع راهنمایی در شهر اصفهان معتقدند آموزش بزرگسالان با آموزش کودکان متفاوت است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آموزش بزرگسالان در ایران نیاز به تخصصی شدن و توجه بیشتر به اصول آموزشی دارد. [۱۱] زندوانیان نایینی و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی تحت عنوان «شناسایی و تحلیل فلسفه‌ی آموزشی مربیان آموزش بزرگسالان استان

روش پژوهش

به اقتضای هدف و سؤالات، از روش‌های توصیفی-تحلیلی و پدیدارشناسی بهره برده شد. میدان پژوهش شامل سوادآموزان دانشگاه فرهنگیان استان کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ با سابقه کار در نهضت سوادآموزی بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته محقق ساخته بود که با دوازده نفر از معلمان (۱۰ زن و ۲ مرد) با معیار اشباع‌یافتگی پاسخ‌ها، مصاحبه صورت گرفت. برای دستیابی به یافته‌ها در دو گام عمل شد. گام نخست: شناسایی چالش‌ها که خود در سه دسته قرار داده شدند:

۱. چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت،
۲. چالش‌های مربوط به سوادآموزان نهضت
۳. چالش‌های حوزه اداری. و گام دوم، ارائه راه‌کارهایی برای برون رفت از این چالش‌ها.

که تا به امروز، ممکن است کمتر مورد توجه واقع شده و تحلیل علمی روی آن صورت نگرفته است.

سوال‌های پژوهش

هدف پژوهش حاضر تحلیل چالش‌های آموزش نهضت سوادآموزی از منظر معلمان این مقطع در استان کردستان و ارائه راه‌کارهایی برای رفع این چالش‌ها است. برای دستیابی به این هدف، به طرح، تبیین و پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها اهتمام شد:

۱. چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت و سوادآموزان در استان کردستان را چگونه می‌توان تبیین نمود؟
۲. چه راه‌کارهایی برای رفع چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت و سوادآموزان در استان کردستان وجود دارد؟

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

سابقه تدریس (به سال)	محل کار	مقطع	رشته	دانشگاه ^۱	سن	جنسیت	مصاحبه شونده‌گان
۲	شهر	لیسانس	مدیریت دولتی	آزاداسلامی	۳۳	زن	مصاحبه شونده شماره (۱)
۱۳	شهروروستا	لیسانس	آموزش ابتدایی	آزاداسلامی	۳۹	زن	مصاحبه شونده شماره (۲)
۷	روستا	فوق دیپلم	طراحی و دوخت	فنی حرفه‌ای	۳۱	زن	مصاحبه شونده شماره (۳)
۴	روستا	لیسانس	علوم تربیتی	پیام نور	۳۴	زن	مصاحبه شونده شماره (۴)
۵	شهر	لیسانس	ادبیات فارسی	پیام نور	۲۴	زن	مصاحبه شونده شماره (۵)
۶	روستا	لیسانس	علوم تربیتی	کردستان	۳۱	زن	مصاحبه شونده شماره (۶)
۴	شهر	لیسانس	ریاضی کاربردی	کردستان	۳۶	زن	مصاحبه شونده شماره (۷)
۵	شهروروستا	لیسانس	حسابداری	فنی حرفه‌ای	۳۲	زن	مصاحبه شونده شماره (۸)
۱۰	روستا	لیسانس	علوم تربیتی	پیام نور	۳۵	زن	مصاحبه شونده شماره (۹)
۳	روستا	لیسانس	روانشناسی	پیام نور	۲۹	زن	مصاحبه شونده شماره (۱۰)
۲۹	روستا	لیسانس	آموزش ابتدایی	کردستان	۵۱	مرد	مصاحبه شونده شماره (۱۱)
۳۰	روستا	لیسانس	آموزش ابتدایی	پیام نور	۵۳	مرد	مصاحبه شونده شماره (۱۲)

دانشگاه‌های مختلف بوده و صرفاً به عنوان مهارت آموز جهت گذراندن دوره‌های پودمانی سه‌گانه خاص در دانشگاه فرهنگیان حضور داشتند.

^۱ لازم به ذکر است تمامی مصاحبه شونده‌گان از قبیل دارای مدرک تحصیلی در

نگاهی تاریخی به نهضت سوادآموزی در ایران^۱

از منظر تاریخی، در ایران می‌توان سال ۱۲۸۶ یعنی زمان تشکیل اولین کلاس‌های اکابر را سرآغاز شکل‌گیری نهضت سوادآموزی دانست.

با وجود این، برنامه‌های سوادآموزی در ایران را تا سال ۱۳۵۰ می‌توان به چهار مرحله تقسیم کرد.

به طوری که در اول مهر ۱۳۰۵ نخستین دوره‌های آموزش اکابر بزرگسالان تحت نظر وزارت معارف به صورت کلاسهای شبانه در رده مدرسه تهران همراه با ۸۰۰ دانش آموز آغاز شد سازمان اکابر نخستین سازمانی است که به صورت رسمی برای باسواد کردن بزرگسالان در ایران در سال ۱۳۱۵ تشکیل شد و فعالیت‌های این سازمان تا شهریور ۱۳۲۰ ادامه داشت.

در مرحله دوم در دوره ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۱ سوادآموزی به- عنوان ابزاری برای تحقق اهداف توسعه و عمران کشور تلقی شده است. تأسیس سپاه دانش در سال ۱۳۴۱ با همین هدف صورت گرفته است در مرحله سوم، سازمان جهانی کمیته بین‌المللی پیکار جهانی با بی‌سوادی^۲ تشکیل شد. فعالیت این کمیته تا سال ۱۳۴۹ بیشتر در اجرای برنامه‌های آموزشی خلاصه می‌شد. بعد از آن جهاد ملی سوادآموزی، با توجه به کمبودها و نارسایی‌ها و عدم توفیق نیافتن برنامه‌های سوادآموزی در سال ۱۳۵۴ خورشیدی در جامعه مطرح شد و هدف این طرح، ریشه‌کن ساختن بی‌سوادی تا سال ۱۳۶۶ اعلام شد تا اینکه این سازمان تحت الشعاع رویدادهای انقلاب ایران قرار گرفت و به کلی تعطیل شد. پس از پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ و آغاز دوباره فعالیت‌های سوادآموزی امیدهای تازه‌ای به وجود آمد و در سال ۱۳۵۸ درصد باسوادان به ۸۴ درصد رسیده است. در زمان تشکیل نهضت سوادآموزی در ۷ دی ۱۳۵۸ به دستور امام خمینی، جمعیتی بالغ بر ۴ میلیون بی‌سواد در کشور وجود داشت. به استثنای سه سال اول فعالیت آن، به طور متوسط سالانه نزدیک به ۹۰۰ هزار نفر در کلاس‌های آموزشی زبان آموزی شرکت کرده‌اند. کمترین تعداد سوادآموز در نهضت در سال ۱۳۶۳ و بالاترین میزان آن در سال ۱۳۶۶ بوده است. نرخ باسوادی در ایران در سال ۱۳۹۹ به ۹۶/۶ درصد باسوادان رسیده است.

با پیروزی انقلاب و با فرمان بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، نهضت سوادآموزی در سال ۱۳۵۸ به طور رسمی

فعالیت‌های خود را آغاز و افراد بی‌سواد و کم‌سواد ۱۰ سال به بالا را به عنوان هدف مورد نظر خود انتخاب کرد. تلاش‌های این سازمان طی این سال‌ها و با اجرای طرح‌های مختلف به اخذ چهار جایزه بین‌المللی از یونسکو، کاهش بی‌سوادی به کمتر از ۱۵ درصد، کاهش نابرابری‌های جنسیتی به کمتر از ۷ درصد و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای به کمتر از سیزده درصد منجر شده است [۱۷].

با الهام از فرمان تاریخی حضرت امام خمینی (ره) در دی ماه سال ۱۳۸۵ مینی بر بسیج همگانی برای مبارزه با بی‌سوادی، رهنمودهای مقام معظم رهبری، جهت‌گیری‌های سند ملی چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های فرهنگی و آموزشی ملحوظ در قانون و اهداف برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و به‌منظور تحقق باسوادی کامل در کشور از طریق اجرای برنامه راهبردی سوادآموزی بوده‌است. به‌منظور تحقق باسوادی کامل در کشور در (جلسه ۵۹۵ مورخ ۱۳۸۵/۹/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۲ ماده به تصویب رسید. از همین رو، امام خمینی، در هفتم دی ۱۳۵۸ با فرمان تأسیس نهضت سوادآموزی بیان داشتند که: «تعلیم و تعلم، عبادتی است که خداوند تبارک و تعالی ما را بر آن دعوت فرموده است.» [۱۸]. برچنین زمینه‌ای، نهضت سوادآموزی، یکی از مهمترین مسائل آموزش و پرورش جامعه ایران محسوب می‌شود؛ چرا که بر اساس آمار منتشر شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۳۹۸ خورشیدی ایران بالغ بر ۸۹۷۵۵۵۳ نفر بی‌سواد در کشور وجود دارد (بیشتر از ۱۰ درصد جمعیت). (معاونت سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان، ۱۴۰۰).

نهضت سوادآموزی استان کردستان، فعالیت خود را از سال ۱۳۹۳ به بعد، به سه دوره تقسیم کرده است: دوره نخست که دوره سوادآموزی نام دارد شامل: ۴۰۰ ساعت فعالیت یادگیری است که حداقل ۴ ماه به طول می‌انجامد. مدرکی که در پایان این دوره به سوادآموزان اعطا می‌گردد معادل پایه سوم ابتدایی است. دوره دوم که پس از دوره سوادآموزی شروع می‌شود و دوره انتقال نام دارد. این دوره شامل ۶۰۰ ساعت یادگیری است و حداقل ۶ ماه به طول می‌انجامد. مدرکی که در پایان این دوره به سوادآموزان اعطا می‌گردد، برابر پایه ششم ابتدایی است. دوره سوم دوره

^۱ سواد فردی است که می‌تواند به زبان فارسی یا هر زبان دیگر متن ساده‌ای را بخواند و بنویسد خواه مدرک رسمی داشته باشد یا نداشته باشد (مرکز آمار

ایران، دی ۹، ۱۴۰۰) درگاه ملی آمار <https://www.amar.org.ir>

^۳ World Organization International Committee for Combating Illiteracy.

^۱ تمام آمار و مراحل این قسمت، برگرفته از معاونت سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان در دی ماه ۱۴۰۰، می‌باشد. که به صورت حضوری و شفاهی در اختیار پژوهشگران قرار داده شد. بدین وسیله از همکاری این معاونت، تشکر به عمل می‌آید.

صرف‌نظر کرده‌اند، برای آن‌ها کتاب‌های تقویتی ارسال می‌شود تا آن‌ها به دوره بی‌سوادی بنگردند.

تحکیم نامیده می‌شود. در این دوره، برای سوادآموزانی که دوره سوادآموزی را به پایان رسانده‌اند؛ ولی از ادامه تحصیل

جدول ۲. آمار نهضت سوادآموزی استان کردستان^۱

ردیف	موضوع	سال	آمار
۱	بی‌سوادان ۶ سال به بالا	۱۳۹۵	۲۶۵۱۵۰
۲	بی‌سوادان ۱۰ تا ۴۹ سال	۱۳۹۵	۸۲۲۵۰
۳	سوادآموزان	۱۳۹۸-۱۳۹۹	۱۲۹۸۳
۴	دوره سوادآموزی	۱۳۹۸-۱۳۹۹	۶۰۳۹
۵	دوره انتقال	۱۳۹۸-۱۳۹۹	۲۹۷۵
۶	دوره تحکیم	۱۳۹۸-۱۳۹۹	۳۹۶۹
۷	سوادآموزان	۱۳۹۹-۱۴۰۰	۱۱۷۰۰
۸	دوره سوادآموزی	۱۳۹۹-۱۴۰۰	۶۴۰۰
۹	دوره انتقال	۱۳۹۹-۱۴۰۰	۳۰۰۰
۱۰	دوره تحکیم	۱۳۹۹-۱۴۰۰	۲۲۰۰
۱۱	تعداد آموزش‌دهندگان	۱۳۹۸-۱۳۹۹	۱۵۷۰

ب) چالش یافتن سوادآموزان

در این بخش از مصاحبه‌شوندگان در مورد روش‌های یافتن سوادآموز سوال شد که به‌منظور شناسایی راه‌های به کارگرفته شده برای یافتن سوادآموز در جهت حضور در کلاس‌های سوادآموزی بود. عمده این روش‌ها شامل موارد زیر بود که هرکدام در نوع خاص خود برای معلمان این مقطع، یک چالش محسوب می‌شود:

– **مراجعه به خانه‌ها:** از اصلی‌ترین راه‌های یافتن سوادآموز، مراجعه تک به تک به خانه‌هاست. در این راستا «مصاحبه‌شونده شماره ۹ می‌گوید: «این کار با مشکلات زیادی همراه است. یکی از آن‌ها رفتن به تمامی خانه‌ها و راضی کردن آن‌ها برای حضور در کلاس‌ها است. «مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۸ و ۱۰ نیز این مورد را تأیید کرده‌اند.

– **لیست مشخصات والدین دانش‌آموزان:** این مورد، تقریباً از موارد در دسترس برای یافتن سوادآموزان است. گرچه بسیاری از مدارس با دادن لیست والدین دانش‌آموزان خود به معلمان نهضت، ممانعت می‌کنند. «مصاحبه‌شونده شماره ۷ در این مورد می‌گوید: «از طریق مدرسه لیست مشخصات اولیاء بی‌سواد دانش‌آموزان، شاگردان خود را پیدا می‌کردیم. «مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱، ۳، ۷ و ۸ نیز از این مورد اسم برده‌اند.

یافته‌های پژوهش

گام نخست: چالش‌ها

در این بخش، تلاش شد تا به تحلیل سوال نخست پژوهش دال بر این که چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت^۲ و سوادآموزان را چگونه می‌توان تبیین نمود، پرداخته شود. این امر در سه گام اصلی صورت گرفت: چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت، چالش‌های پیش‌روی سوادآموزان و چالش‌های حوزه اداری.

الف) چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت

این قسمت از گام اول، تلاش دارد تا به شناسایی چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت سوادآموزی در استان کردستان از منظر تجارب زیسته خود آن‌ها پردازد که خود شامل سه دسته چالش بودند: (چالش یافتن سوادآموز از منظر معلمان نهضت، چالش روش‌های تدریس و آموزش، چالش امور اقتصادی معلمان نهضت). شایان ذکر است که باتوجه به کیفی بودن رویکرد پژوهش، از ذکر فراوانی و ارائه آمار و ارقام به صورت کمی خودداری شده و نظم رایج در این عوامل، براساس ساختار منطقی بیان خود مصاحبه‌شوندگان و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و سپس کدگذاری‌های سه‌گانه آن‌ها و حرکت استقرائی-قیاسی، عوامل زیر حاصل شده است.

^۲ در کل این متن، منظور از نهضت، نهضت سوادآموزی می‌باشد.

^۱ معاونت سوادآموزی اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان.

مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱ و ۵ نیز به این مورد اشاره کرده‌اند.

- سن بالا: برخی از سوادآموزان معتقدند سن آنان مناسب سواد آموختن نیست. «مصاحبه‌شونده شماره ۹» در تأیید این مورد می‌گوید: «بهانه کردن سن بالایشان که در این آخر عمری سواد به چه دردشان می‌خورد... بالا بودن سن سوادآموزان و یادگیری کند آن‌ها از مشکلات آموزش نهضت است.» مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۲ و ۵ نیز این مورد را بیان کردند.

- ترس از سرزنش دیگران: برخی دیگر از سوادآموزان از به سخره گرفته شدن توسط سایرین هراس دارند. «مصاحبه‌شونده شماره ۲» می‌گوید: «بهانه کردن سن بالایشان و ترس از سرزنش دیگران و مورد تمسخر قرار گرفتن از دلایل آنان است.»

- کم میل بودن خود افراد: این مورد را مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۲، ۳ و ۱۰ بیان کرده‌اند. در این راستا «مصاحبه‌شونده شماره ۱۰» می‌گوید: «بیشتر مشکلات من از عدم همکاری و کم میل بودن سوادآموزان نسبت به آموختن است.»

- همکاری نکردن سوادآموزان: این مورد از مواردی است که مانع مهمی به حساب می‌آید. «مصاحبه‌شونده شماره ۱۰» در این باره می‌گوید: «عدم همکاری سوادآموزان و نداشتن مکان مناسب برای تدریس و کلاس از مشکلات مسیر ماست.» مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ نیز این مورد را تأیید کرده‌است.

- چالش در متقاعدسازی خانواده‌های سوادآموزان: این مورد را تنها مصاحبه‌شونده شماره ۴ بیان کرده است. در این راستا «مصاحبه‌شونده شماره ۴» می‌گوید: «مخالفت خانواده‌ها و متقاعد نمودن آنان برای شرکت در کلاس نهضت؛ از جمله سخت‌ترین بخش کار از نظر من است.»

- لیست مشخصات افراد در خانه بهداشت: یکی دیگر از راه‌های یافتن سوادآموزان، مراجعه به مشخصات درج شده در لیست خانوارهای خانه بهداشت‌های شهری و روستایی است. این شیوه هم به نوبه خود چالش بزرگی است. چرا که مسئولان بهداشت نیز با طی مراحل طولانی قانونی، حاضر به در اختیار قرار دادن این اسامی می‌شوند. «مصاحبه‌شونده شماره ۸» می‌گوید: «من از چند طریق به جمع‌آوری آمار بی‌سوادان اقدام می‌کنم. البته اگر امکان آن فراهم شود. از جمله از طریق خانه بهداشت آن محل یا روستا و...»

- اقدام خود سوادآموز: این مورد اگر متحقق شود، اشتیاق سوادآموزان را نشان می‌دهد. «مصاحبه‌شونده شماره ۱۱» در این باره می‌گوید: «پس از اسکان در محل مورد نظر، برخی از سوادآموزان خود برای ثبت‌نام در کلاس‌ها اقدام می‌کردند اما بسیار کم و نادر.»

- سربازان بی‌سواد: در ارتباط با این مورد «مصاحبه‌شونده شماره ۱۲» می‌گوید: «ما برای تعلیم سربازان بی‌سواد، اعزام می‌شدیم که آن‌ها هم کمتر مراجعه می‌کنند.»

- بی‌علاقگی به یادگیری: از مهم‌ترین مشکلات یافتن شاگردان عدم علاقه و شوق آنان نسبت به یادگیری و سوادآموزی است. «مصاحبه‌شونده شماره ۴» در این باره می‌گوید: «اصلاً خودشان خواهان یادگیری خواندن و نوشتن نیستند و رغبتی ندارند.» مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۲، ۵، ۷، ۸ و ۱۰ نیز این مورد را تأیید کرده‌اند.

- عدم اجازه همسر یا خانواده: از دیگر مشکلات یافتن سوادآموز مشکلات خانوادگی آنان است. «مصاحبه‌شونده شماره ۸» می‌گوید: «مخالفت اعضای خانواده و در متأهلین مخالفت همسر بسیار زیاد است.» این مورد را مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۲، ۴، ۶ و ۷ نیز بیان کرده‌اند.

- مشغله روزانه: این موردی است که اغلب سوادآموزان برای حضور نداشتن در کلاس‌های خود بیان می‌کنند. «مصاحبه‌شونده شماره ۱۲» در این مورد بیان می‌کند: «معمولاً چون هیچ اجباری در کار نیست، اکثر مردها شرکت نمی‌کنند یا به علت خستگی کار، میلی به یادگیری ندارند.» مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۵، ۱۰، ۳ و ۱۱ نیز این مورد را تأیید کردند.

- تربیت فرزندان: تربیت کودکان و کارهای منزل، یکی از مهم‌ترین دلایل عدم حضور سوادآموزان، به‌ویژه خانم‌ها، در کلاس است. آنان معتقدند با وجود این مشغولیت‌ها دیگر فرصتی برای حضور در کلاس ندارند. «مصاحبه‌شونده شماره ۳» در این راستا می‌گوید: «از دلایل آنان می‌توان داشتن فرزند کوچک در خانه و یا حتی داشتن یک فرد مریض در خانه که مسئولیت آن‌ها را بیشتر می‌کند نام برد.»

جدول ۳. چالش‌های^۱ پیش‌روی معلمان نهضت (چالش یافتن سوادآموز)

ردیف	چالش
۱	مراجعه به خانه‌ها
۲	لیست مشخصات والدین دانش‌آموزان
۳	لیست مشخصات افراد در خانه بهداشت
۴	اقدام خود سوادآموز
۵	سربازان بی‌سواد
۶	بی‌علاقگی به یادگیری
۷	عدم اجازه همسر یا خانواده
۸	مشغله روزانه
۹	تربیت فرزندان
۱۰	سن بالا
۱۱	ترس از سرزنش دیگران
۱۲	کم میل بودن خود افراد
۱۳	همکاری نکردن سوادآموزان
۱۴	چالش در متقاعدسازی خانواده‌های سوادآموزان

ج) چالش‌های روش‌های تدریس و آموزش

در این بخش، از مصاحبه‌شوندگان در مورد روش‌های تدریس کاربردی خاص آن‌ها پرسیده شد که عمده این روش‌ها شامل موارد زیر بود. تعدادی از این روش‌ها، گرچه ظاهراً مطلوب‌اند، اما به علت عدم مشارکت سوادآموزان، نداشتن انگیزه، سن بالا، کمبود امکانات و... عملاً به‌طور کامل قابلیت اجرا نیافته است و با مشکلاتی روبه‌روست.

روش سخنرانی: کاربردی‌ترین روش تدریس در بین معلمان نهضت روش سخنرانی است. در این راستا «مصاحبه‌شونده شماره ۱۲» می‌گوید: «من از روش سخنرانی برای تدریس‌هایم استفاده می‌کنم چون این روش با برنامه‌های تدریس منطبق است». مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۳، ۵، ۸، ۹ و ۱۲ نیز این روش را بیان کرده‌اند. روشی که تکراری و موجب خستگی سوادآموزان می‌شود.

روش پرسش و پاسخ: این روش از روش‌هایی است که مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۲، ۵، ۸ و ۱۲ به صراحت آن را بیان کرده‌اند. «مصاحبه‌شونده شماره ۲» در این مورد می‌گوید: «روش تدریس پرسش و پاسخ روش خوبی برای شروع تدریس یک مبحث جدید می‌باشد».

روش بحث گروهی: روشی دیگر که معلمان نهضت برای تدریس سوادآموزان خود به کار گرفته‌اند روش بحث گروهی می‌باشد. در این راستا «مصاحبه‌شونده شماره ۵»

می‌گوید: «روش تدریس باید متناسب با ظرفیت و روحیه و توان یادگیری سوادآموز باشد و سوادآموزان در این سنین نسبت به مشارکت و بحث گروهی بیشتر علاقه نشان می‌دهند». مصاحبه‌شونده شماره ۸ این روش و دو روش قبلی را از روش‌های تدریس خود برمی‌شمرد و مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۳ و ۹ نیز این روش را به کار گرفته‌اند.

روش آزمون و خطا: این روش را مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱ و ۹ بیان کرده‌اند. در این راستا «مصاحبه‌شونده شماره ۱» می‌گوید: «این روش که با تکرار و تلاش برای رسیدن به موفقیت همراه است به نظر من روش مناسبی است».

آوردن مثال از زندگی روزمره: این مورد از مواردی است که مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۴، ۶، ۷، ۹ و ۱۰ با موارد قبلی آن را بیان کرده‌اند. در این راستا «مصاحبه‌شونده شماره ۱» می‌گوید: «چون افراد بزرگسال حوصله تأمل و فکر آنچنانی را ندارند؛ باید مطالب آموزشی برخاسته از زندگی روزمره آنها باشد و مثال‌های کاربردی نیز از زندگی خود آنها باشد».

کمبود وقت و زمان تدریس: «مصاحبه‌شونده شماره ۷» درباره مشکلات می‌گوید: «کمبود وقت؛ چون در هر دوره ۳ کلاس باید خوانده شود و تدریس شود و ۵ تا ۷ ماه وقت بسیار کمی می‌باشد».

عدم فضای آموزشی مناسب: این مورد نیز در صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان به کثرت دیده می‌شود. «مصاحبه‌شونده شماره ۴» در این باره می‌گوید: «چون مثل مدارس نیست که جا و مکان مناسبی داشته باشیم و مکان را باید خودمان تهیه کنیم؛ از بعضی لحاظ مانند جا و مکان و بعضی از وسایل آموزشی کمبودهایی داریم.» مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۹ و ۱۰ نیز به این مورد اشاره کرده‌اند.

کمبود امکانات: از مهم‌ترین مشکلات تدریس معلمان نهضت، نداشتن امکانات رفاهی و آموزشی همانند میز و صندلی است. «مصاحبه‌شونده شماره ۳» در این باره به تفصیل توضیح می‌دهد: «اگر در داخل مدرسه باشیم می‌توانیم از امکانات و وسایل کمک آموزشی مدرسه استفاده کنیم ولی اگر در بیرون از مدرسه برای تشکیل کلاس مکانی را اجاره کنیم، با کمبود امکانات مثل میز و صندلی و وسایل گرمایشی برای زمستان و فصل سرما و همچنین با کمبود

نویسندگان باتوجه به تعهد به اخلاق حرفه‌ای پژوهش، تغییری در آن ایجاد نکرده و دسته‌بندی آن‌ها، ملاک و مطمح نظر بوده است.

^۱ لازم به ذکر است که از آنجا که روش به کاررفته در این پژوهش از نوع پدیدارشناسی توصیفی و نمان می‌باشد، لذا اولویت بندی چالش‌ها و نیز راه‌کارها، براساس اولویت گفته شده در گفتار مصاحبه‌شوندگان است و

جدول ۵. چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت(چالش‌های اقتصادی شغل

معلم‌های نهضت	
ردیف	چالش
۱	حقوق و مزایای کم
۲	عدم مشارکت اقتصادی سایر ارگان‌های فرهنگی
۳	نداشتن امنیت شغلی
۴	جایگاه ضعیف اقتصادی معلمان

ه) چالش‌های پیش‌روی سوادآموزان

در این قسمت، از نگاه مصاحبه‌شوندگان چالش‌های مربوط به سوادآموزان نهضت پرسیده شد که شامل موارد زیر بودند:

– **مخالفت همسر و خانواده:** این مورد از مواردی است

که بسیار به آن اشاره شده است و مورد مهمی است که مانع حضور سوادآموزان خصوصا خانم‌ها می‌شود. «مصاحبه‌شونده شماره ۵»، می‌گوید: «مخالفت همسر و آوردن بهانه‌های مختلف از دلایل نیامدن سوادآموزان است. «مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱، ۲، ۴، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ این مورد را تایید کرده‌اند.

– **مشغله کارهای روزمره زندگی:** به نظر می‌رسد این مورد، از امور مرسوم برای عدم حضور خانم‌ها به کلاس‌هاست. «مصاحبه‌شونده شماره ۴» در این باره می‌گوید: «به دلیل مسئولیت روزانه‌ای که دارند، نمی‌توانند هر روز مرتب در کلاس‌ها شرکت کنند» مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱، ۳، ۶، ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ نیز این مورد را گفته‌اند.

– **مسئولیت تربیت کودکان:** این مورد نیز جزو مسئولیت‌هایی است که اکثریت برعهده خانم‌هاست و مانع حضور آنان می‌شود. «مصاحبه‌شونده شماره ۷» عمده مشکلات سوادآموزان را این‌گونه برمی‌شمرد: «دوری محل تدریس، مخالفت خانواده و همسر، داشتن فرزندان خردسال و افراد مسن در خانه» این مورد را مصاحبه‌شونده شماره ۸ نیز تایید می‌کند.

– **دور بودن محل تحصیل:** این مورد از مواردی است که برخی از سوادآموزان استفاده می‌کنند. «مصاحبه‌شونده شماره ۲» می‌گوید: «دور بودن کلاس از منزل مسکونی خود را بهانه می‌کنند.» مصاحبه‌شونده شماره ۷ نیز به این مورد اشاره کرده‌است.

– **ثابت نبودن زمان تشکیل کلاس‌های نهضت:** در این بخش از مصاحبه‌شوندگان درمورد زمان حضور بیشتر و پرنرنگ تر سوادآموزان در کلاس‌های نهضت پرسیده شد که بیشتر آن‌ها نظر بر این داشتند که در روستا به دلیل مشغله کاری کمتر؛ فصول پاییز و زمستان زمان حضور پرنرنگ

وسایل آموزشی و کمک آموزشی مواجه هستیم که باید خود آن را تهیه و از اداره کمک بگیریم که گاهی به دلیل بعضی از مشکلات تهیه همه وسایل مشکل‌ساز است.» مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱، ۲، ۸ و ۹ نیز این مورد را بیان کردند.

جدول ۴. چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت(چالش‌های روش تدریس و

آموزش	
ردیف	چالش
۱	روش سخنرانی
۲	روش بحث گروهی
۳	روش آزمون و خطا
۴	روش ذکر مثال از زندگی روزمره
۵	کمبود وقت و زمان تدریس
۶	عدم فضای آموزشی مناسب
۷	کمبود امکانات آموزشی

د) چالش‌های اقتصادی شغل معلم‌های نهضت

– **حقوق و مزایای کم:** این مورد از مواردی است که در ادامه مسیر مهم به شمار می‌آید. «مصاحبه‌شونده شماره ۱۲» در بیان مشکلات می‌گوید: «عدم همکاری سوادآموزان، حقوق کم و عدم همکاری اداره از عمده مشکلات بودند.»

– **عدم مشارکت اقتصادی سایر ارگان‌های فرهنگی:** این مورد، از مواردی است که با سایر موارد ارتباط دارد؛ یعنی با همکاری درست و به موقع اقتصادی ارگان‌های فرهنگی، بسیاری از مشکلات حل می‌شود. «مصاحبه‌شونده شماره ۸» در این مورد می‌گوید: «عدم همکاری مالی سایر ارگان‌های دخیل در امور آموزشی و تربیتی تا حدودی کار ما را مشکل می‌سازد.» مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ نیز این مورد را بیان کرده‌است.

– **نداشتن امنیت شغلی:** این مورد را مصاحبه‌شونده‌گان شماره ۵ و ۷ بیان کرده‌اند و مصاحبه‌شوندگان شماره ۱، ۸ و ۱۱ این مورد را با مورد قبلی از مشکلات راه خود نام برده‌اند و در این راستا «مصاحبه‌شونده شماره ۵» می‌گوید: «نداشتن امنیت شغلی به دلیل رسمی نبودن، برای من خیلی نگران کننده است.»

– **جایگاه ضعیف اقتصادی طبقه معلمان:** این مورد را تنها مصاحبه‌شونده شماره ۷ با یک مورد قبلی بیان کرده است. در این راستا «مصاحبه‌شونده شماره ۷» می‌گوید: «اگر از نظر مالی معلم‌ها بهتر تأمین شوند و به سوادآموزان بیشتر اهمیت داده شود؛ قطعاً از مشکلات ما کاسته خواهد شد.»

«مصاحبه‌شونده شماره ۴» برای این مورد سوادآموزان، چنین دلایلی می‌آورد: «کم کاری خانواده‌ها، فقر فرهنگی، مشکلات مادی، شرایط سخت خانوادگی.» مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۲، ۳، ۷، ۸ و ۱۲ این مورد را تایید کرده‌اند.

– **شرایط خاص خانواده:** گاهی شرایط خاص خانواده‌ها به گونه‌ای است که سوادآموز نمی‌تواند در کلاس‌ها حاضر شود. «مصاحبه‌شونده شماره ۶» می‌گوید: «مشکلات و شرایط سخت و خاص خانوادگی مانند فوت سرپرست خانواده، نداشتن سرپناه و... از جمله موانع حضور آنان است.»

– **اعتیاد والدین:** «مصاحبه‌شونده شماره ۳» به تفصیل در این باره صحبت می‌کند و از اعتیاد سرپرست کودک نیز حرف می‌زند: «ترس و باور غلط سوادآموزان، از مدرسه و کم توجهی والدین به فرزندان در برابر مشکلات آنان و همچنین در بعضی از روستاها به دلیل کمبود شاگردان برای آن منطقه معلمی در نظر نمی‌گرفتند و هیچ کلاسی تشکیل نمی‌شد در این صورت برای ادامه تحصیل سوادآموزان، والدین مجبور به نقل مکان می‌شدند که این کار برای بعضی از آنها شاید به دلایل شغلی و مادی و دلایل دیگر امکان نداشته و آنها از تحصیل جا مانده‌اند و بعضی از بچه‌ها به دلیل بی‌سرپرست بودن و یا شاید به دلیل اعتیاد سرپرست خانواده نیز از تحصیل جامانده باشند.»

– **تبعیض جنسیتی:** این مورد را «مصاحبه‌شونده شماره ۹» به این شکل توضیح می‌دهد: «چون بیشتر آمار بی‌سوادی در بین خانم‌هاست و این به تبعیضی برمی‌گردد که بین دختر و پسر قائل می‌شدند و سواد را برای دختر لازم نمی‌دیدند و آنها را به کارهایی چون قالی‌بافی مجبور می‌کردند»

ردیف	چالش
۱	مخالفت همسر و خانواده
۲	مشغله‌های کارهای روزمره زندگی
۳	مسئولیت تربیت کودکان
۴	دور بودن محل تحصیل
۵	نسبیت زمانی در تشکیل کلاس‌های نهضت: ۱- تشکیل کلاس در روستا ۲- تشکیل کلاس در شهر
۶	عدم درک اهمیت و ضرورت سواد
۷	پایین بودن سطوح یادگیری
۸	نداشتن انگیزه
۹	فقر مالی
۱۰	کم توجهی والدین
۱۱	شرایط خاص خانواده
۱۲	اعتیاد والدین
۱۳	تبعیض جنسیتی

سوادآموزان در کلاس‌های نهضت می‌باشد و در مناطق شهرنشین، سوادآموزان در فصل تابستان فرصت بیشتری برای حضور در کلاس دارند.

– **تشکیل کلاس در روستا:** چون اکثریت سوادآموزان در روستا هستند، به علت موقعیت شغلی، روستاییان پاییز و زمستان استقبال بیشتری دارند. «مصاحبه‌شونده شماره ۳» می‌گوید: «چون ما در روستا زندگی می‌کنیم و کار در روستا فراوان است و همه با هم چه زن و چه مرد مشغول کار و تلاش هستند، در فصول بهار و تابستان و اوایل پاییز امکان حضور در کلاس را ندارند و اگر هم بیایند، خیلی کم و به ندرت می‌توانند در کلاس حضور داشته باشند.» سایر مصاحبه‌شوندگان نیز این مورد را تایید می‌کنند.

– **عدم درک اهمیت و ضرورت سواد از طرف سوادآموزان:** این مورد از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا آگاهی داشتن خود می‌تواند راهی برای تشویق برای حضور باشد مصاحبه‌شونده شماره ۸ «در میان صحبت‌های اینگونه اشاره می‌کند: «عدم آگاهی در مورد اهمیت سواد، احساس بی‌نیازی نسبت به سواد، مخالفت والدین بر یادگیری فرزندان، مجبور به کار کردن از همان کودکی به دلیل مشکلات مالی از جمله این موانع است.» مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۳، ۴ و ۱۲ نیز به این مورد اشاره کرده‌اند.

– **پایین بودن سطوح یادگیری:** این مورد از نگرانی‌های سوادآموزان است. آنها معتقدند که توان یادگیری ندارند. «مصاحبه‌شونده شماره ۱۲» برای موانع حضور سوادآموزان این موارد را برمی‌شمرد: «بالا بودن سن و ترس از عدم یادگیری مناسب و درک این امر، باعث عدم حضور آنها می‌شود»

– **نداشتن انگیزه:** این مورد نیز در میان موانع حضور سوادآموزان به چشم می‌خورد. «مصاحبه‌شونده شماره ۵» می‌گوید: «مخالفت همسر و بی‌علاقگی خودشان و آوردن بهانه‌های مختلف از این دسته موانع است.» مصاحبه‌شونده شماره ۱۲ نیز این مورد را تایید می‌کند.

– **فقر مالی:** از مهم‌ترین دلایل عقب‌ماندگی تحصیلی سوادآموزان، فقر آنان است که آنها را مجبور می‌کند برای گذران روزگار از همان کودکی مشغول به کار کردن شوند. «مصاحبه‌شونده شماره ۵» در این باره می‌گوید: «خانواده مهم‌ترین عامل است چون به دلیل فقر این بچه‌ها را مجبور به کارهایی مثل قالی‌بافی می‌کنند و به مدرسه نمی‌آیند.» اکثریت مصاحبه‌شوندگان این مورد را تایید کرده‌اند. از جمله مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۲، ۴، ۷، ۸، ۱۰، ۱۱ و ۱۲.

– **کم توجهی والدین:** این مورد از مواردی است که بسیار جای تأمل دارد و برای حل آن باید دست به اقدام زد.

و) چالش‌های حوزه‌ی اداری

در این قسمت، که بخش آخر چالش‌ها است، به چالش‌های بخش اداری و پشتیبانی با توجه به تجارب زیسته معلم‌های نهضت، اشاره می‌شود که به مباحث زیر پرداخته‌اند.

- دسترسی نداشتن معلم‌های نهضت به اداره:

معلم‌های نهضت بر نداشتن دسترسی به اداره آموزش و پرورش هم عقیده بوده‌اند. در این مورد «مصاحبه شونده شماره ۱۲» می‌گوید: «حمایت‌شان تعریف چندانی ندارد به نظر من اصلاً به اداره دسترسی نداریم». مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۷، ۲ و ۱۲ نیز این مورد را تأیید کرده‌اند.

- عدم نظارت بر کار معلمان: یکی از امور بیان شده

توسط معلمان، عدم نظارت و بازرسی بر کار معلمان بود. در این خصوص «مصاحبه شونده شماره ۸»، می‌گوید: «کارکنان اداره اصلاً بر کار معلم‌های نهضت نظارت و سرکشی نمی‌کنند به طوری که انگار فراموش شده باشند». مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۹، ۱۰، ۱۱، ۷، ۴ و ۱۲ نیز این مورد را تأیید کرده‌اند.

- کم ارزش تلقی کردن معلم‌های نهضت: معلم‌های

نهضت احساس می‌کنند که نسبت به دیگر معلمان، متفاوت دیده می‌شوند. در این خصوص «مصاحبه شونده شماره ۹» می‌گوید: «کارکنان و همکاران به معلمان نهضت با دید تحقیر آمیز و غیر رسمی نگاه می‌کنند. ما معلمان این نکته را خوب درک می‌کنیم». مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۹، ۸، ۳، ۷، ۲ و ۱۰ نیز این مورد را تأیید کرده‌اند.

- نداشتن مزایا و حمایت‌های مالی و حقوقی و

اداری: یکی از موارد مهم بیان تجارب معلم‌های نهضت، دریافت این نکته است که از آن‌ها حمایت‌های مالی و حقوقی صورت نمی‌گیرد. در این خصوص «مصاحبه شونده شماره ۴» می‌گوید: «ما کلاً با دیگر معلمان فرق داریم. مزایای خاصی نداریم. اگر مشکلی هم پیش بیاید، باید خودمان حلش کنیم. مثلاً وکیل و حمایت حقوقی اصلاً به ما نمی‌دهند» مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۳، ۵، ۲ و ۱ نیز این مورد را تأیید کرده‌اند.

جدول ۷. چالش‌های حوزه‌ی اداری

ردیف	چالش
۱	دسترسی نداشتن معلم‌های نهضت به اداره
۲	عدم نظارت بر کار معلمان
۳	کم ارزش تلقی کردن معلم‌های نهضت
۴	نداشتن مزایا و حمایت‌های مالی و حقوقی و اداری

گام دوم: راهکارهای برون رفت از چالش‌ها در نهضت

سوادآموزی

در این بخش، تجارب و پیشنهادات مصاحبه‌شوندگان در جهت عملکرد بهتر سوادآموزی بیان می‌شود که عمده پیشنهادات شامل موارد زیر است:

۱. اختصاص دادن بسته‌های تشویقی: اصلی ترین راه

حل برای عملکرد بهتر؛ تشویق سوادآموزان به فراگیری سواد با دادن بسته‌های تشویقی می‌باشد. در این راستا «مصاحبه شونده شماره ۹» می‌گوید: «قراردادن امتیازات ویژه و دادن بسته‌های تشویقی برای فراگیران علم؛ می‌تواند انگیزه خوبی برای سوادآموزان در جهت دنبال کردن عرصه‌ی تعلیم و تربیت باشد». مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۹، ۱۱ و ۱۲ نیز این مورد را پیشنهاد داده‌اند.

۲. آگاه کردن مردم از اهمیت سواد: این مورد از

مواردی است که مورد توجه خاص است. «مصاحبه شونده شماره ۴» در این مورد می‌گوید: «لازم است که اهمیت سواد را در رسانه‌ها را بیشتر مطرح کنند تا خانواده‌ها درک درستی از سواد داشته باشند تا آن را دنبال کنند». مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۳ و ۸ نیز آن را بیان کرده‌اند.

۳. همکاری بیشتر نهادها و ادارات فرهنگی در جذب

سوادآموزان: در این راستا «مصاحبه شونده شماره ۵» می‌گوید: «همکاری نهادها و ادارات آموزش و پرورش در جذب اولیا بی سواد دانش‌آموزان می‌تواند مفید باشد. این مورد را مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۵، ۱۰ و ۱۱ بیان کرده‌اند.

۴. حمایت بیشتر از آموزش دهندگان نهضت: این مورد

را مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۶، ۷ و ۸ بیان کرده‌اند. «مصاحبه شونده شماره ۸» در این مورد می‌گوید: «بیشتر به آموزش دهندگان نهضت ارزش و بها داده تا آنها نیز به روند کار خود دلگرم شوند».

۵. افزایش مدت زمان برگزاری کلاس‌ها: این مورد را

مصاحبه‌شوندگان شماره‌های ۷ و ۱۰ موارد قبلی بیان کرده‌اند. در این مورد «مصاحبه شونده شماره ۷» می‌گوید: «دوره سوادآموزی به ۳ دوره تغییر یابد و مدت زمان کلاس‌ها بیشتر شود».

۶. پشتیبانی خانواده‌ها از افراد بی سواد: این مورد را

تنها مصاحبه شونده شماره ۳ با موارد قبلی بیان کرده است. در این راستا «مصاحبه شونده شماره ۳» می‌گوید: «پشتیبانی خانواده‌ها از افراد بی سواد خانواده، بسیار مهم است و این کار انگیزه لازم را برای یادگیری بیشتر و بهتر سوادآموز فراهم می‌کند و ترس و دلهره را از او دور می‌کند و با دلی آسوده به یادگیری ادامه می‌دهد ولی اگر اعضای خانواده پشتیبانی لازم را نداشته باشند این کار برای او مشکل و امکان

آن کم می‌شود».

۷. اجباری کردن حضور افراد در کلاس‌ها: این مورد را تنها مصاحبه شونده شماره ۱۲ بیان کرده است. در این مورد «مصاحبه شونده شماره ۱۲» می‌گوید: «اجباری کردن حضور افراد در کلاس‌ها می‌تواند شروع خوبی برای دعوت افراد به آموختن و سوادآموزی باشد».

۸. برنامه‌ریزی و ایجاد اشتغال برای افراد دارای سواد: این مورد را تنها مصاحبه شونده شماره ۹ با موارد قبلی

بیان کرده است. در این مورد «مصاحبه شونده شماره ۹» می‌گوید: «برنامه‌ریزی و ایجاد اشتغال برای همه مردم و از بین بردن این دیدگاه که (اکثراً افراد باسواد و دارای مدرک در جامعه بیکار هستند و هیچ فرقی بین افراد باسواد و بی‌سواد از لحاظ شغلی نیست و تحصیلات هیچگونه کمکی به مهمترین نیاز زندگی که درآمد و داشتن شغل است نکرده است».

جدول ۸. راهکارهای رفع چالش‌های موجود در نهضت سوادآموزی

مفهوم	مقوله	تم
تشویق سوادآموزان به فراگیری سواد با دادن بسته‌های تشویقی		
برنامه‌ریزی و ایجاد اشتغال برای افراد دارای سواد	فرهنگ‌سازی و برنامه‌ریزی	
مطلع کردن مردم از اهمیت سواد		شرایط لازم برای عملکرد بهتر سوادآموزان
افزایش مدت زمان برگزاری کلاس‌ها	تغییر در روند برگزاری کلاس	
اجباری کردن حضور افراد در کلاس‌ها		
حمایت بیشتر از آموزش دهندگان نهضت	تنوع حمایت و پشتیبانی	
پشتیبانی خانوادها از افراد بی‌سواد		
همکاری بیشتر نهادها و ادارات در جذب سوادآموزان		

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت سوادآموزی و سوادآموزان و یافتن راه‌کارهای پیشنهادی برای کاهش این چالش‌ها با رویکرد کیفی صورت گرفته است. میدان پژوهش، شامل معلمان نهضت مهارت‌آموز در دانشگاه فرهنگیان استان کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته محقق ساخته بود که با دوازده نفر (۱۰ زن و ۲ مرد) از معلمان با معیار اشباع‌یافتگی پاسخ‌ها، مصاحبه صورت گرفت. به اقتضای هدف و سوالات، از روش‌های توصیفی-تحلیلی و پدیدارشناسی، بهره برده شد. لذا با دوازده نفر از معلمان نهضت مصاحبه صورت پذیرفت. برای دستیابی به این هدف، به طرح و پاسخ‌گویی به این سؤال‌ها اهتمام شد.

۱. چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت و سوادآموزان را چگونه می‌توان تبیین نمود؟
 ۲. چه راه‌کارهایی برای رفع چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت وجود دارد؟
 از همین‌رو، برای دستیابی به یافته‌ها در دو گام عمل شد. گام نخست: شناسایی چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت

و گام دوم، ارائه راه‌کارهایی برای برون رفت از آن چالش‌ها. در پاسخ به سوال اول مبنی بر این که چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ در چند بخش به صورت زیر عمل شد: ابتدا چالش‌ها به سه دسته تقسیم‌بندی شدند:

۱. چالش‌های پیش‌روی معلمان نهضت که خود شامل سه دسته چالش بودند (چالش روش‌های یافتن سوادآموز از منظر معلمان نهضت، چالش روش‌های تدریس و آموزش، چالش امور اقتصادی معلمان نهضت)،
۲. چالش‌های حوزه سوادآموزان،
۳. چالش‌های حوزه اداری.

در چالش نخست این مرحله، قسمت اول، ابتدا دو مقوله راه‌ها و موانع یافتن سوادآموز مورد بررسی قرار گرفت که خود شامل ۱۵ مفهوم بود. یافته‌های این قسمت نشان داد که معلمان خودشان به دنبال جذب شاگرد هستند. کمتر دیده می‌شود که شاگردان به دنبال معلمان و سوادآموزی باشند که این نشان از نداشتن آگاهی درباره اهمیت سوادآموزی است. همچنین از دیگر دلایل آنکه شاگردان خود به دنبال کسب علم نمی‌روند، نیز می‌تواند این باشد که مطالب گفته شده در کلاس‌های درس در زندگی روزمره‌ی آن‌ها کاربردی ندارد.

تدریس رایج درمیان آن‌ها، روش‌های سخنرانی است. گاهی مشکل در کمبود وقت معلّم و البته زمان حضور سوادآموزان در کلاس است. و البته این مشکل به میزان امکانات و وسایل کمک آموزشی در مدرسه هم بستگی کامل دارد. به طوری که کلاس‌های سوادآموزان بیشتر فاقد امکاناتی از قبیل پروژکشن و... است. هر کدام از این مشکلات به نوبه خود می‌تواند معلّم‌های نهضت و شاگردان را با مشکلات خاص خود روبه‌رو سازد.

چالش سوم در این مرحله، چالش اقتصادی شغل معلّمی در نهضت است که خود دارای ۴ عامل است. این امر که به کمبود حقوق و مزایای معلّمان و هم‌چنین نداشتن امنیت شغلی آن‌ها برمی‌گردد، معمولاً در میان معلّمان نهضت، نسبت به دیگر معلّمان، رواج بیشتری دارد. به طوری که آن‌ها را با چالش‌های فکری و معیشتی زیادی مواجه ساخته و در پی آن باعث کاهش انگیزه سوادآموزی یابی و حضور در کلاس‌ها شده است.

در مرحله دوم، که به چالش‌های پیش‌روی سوادآموزان می‌پردازد، حاوی ۱۳ عامل است. این چالش‌ها همواره خود از تنوع خاصی برخوردار است از جمله: فقر مالی، کم‌توجهی والدین، شرایط خانواده، اعتیاد والدین، تبعیض جنسیتی و مشکلات کاری می‌دانستند. از مهم‌ترین دلایل عقب‌ماندگی تحصیلی مهارت آموزان؛ فقر آنان است که آن‌ها را مجبور می‌کند برای گذراندن روزگار از همان کودکی مشغول به کار شوند.

سرانجام در قسمت آخر این گام، به چالش‌های حوزه اداری پرداخته شد که شامل ۴ عامل می‌باشد. بیشتر معلّم‌های نهضت بر پشتیبانی کم آموزش و پرورش هم-عقیده‌اند. این امر درحالی است که داشتن پشتیبانی از طرف آموزش و پرورش به آن‌ها انگیزه می‌دهد تا کار خود را بهتر انجام دهند. همچنین داشتن این پشتیبانی می‌تواند دست معلّم‌ها را در تدریس نیز باز بگذارد و مشکلات آن‌ها را کمتر کند. این معلّمان ابراز کرده‌اند که به علت حضور حداکثری در روستاها و سپری کردن زمان در پی یافتن سوادآموزان، زمان کمتری برای حضور در ادارات جهت طرح چالش‌های خود دارند. حتی در صورت حضور در اداره آموزش و پرورش، کارکنان، خدمات زیادی به آن‌ها اختصاص نداده چرا که این دسته از معلّمان، در نظر کارکنان نسبت به دیگر معلّمان، جایگاه اجتماعی پایین‌تری دارند. هرچند مزایا و حمایت‌های مالی تعریف شده برای این دسته از معلّمان، من حیث المجموع، کم و نادر است.

در پاسخ به سوال دوم، که در گام دوم به آن پرداخته شد، مبنی بر این‌که راهکارهای کاهش چالش‌های پیش‌روی

این مقوله در ذهنیت سوادآموزان، باعث کاهش جایگاه معلّمان این مقطع تحصیلی در جامعه شده است، چراکه مثل مدارس کلاس‌ها و شاگردان آماده نیستند تا معلّمان بلافاصله در آن حضور یافته و کار آموزش و تدریس خود را شروع کنند، بلکه آن‌ها مجبور هستند تا خود شاگردان خود را مهیا کنند. به طوری که حتی گاهی باید جهت حضور در کلاس‌ها از برخی از آن‌ها خواهش کرد. این امر باعث کاهش جایگاه معلّمان می‌شود. البته همیشه خود سوادآموزان مانع از حضور خود در کلاس نیستند، بلکه برعکس، بسیاری از سوادآموزان تمایل و انگیزه‌ی مشارکت در کلاس‌ها را دارند، اما عوامل مختلف و متعددی مانع از تحقق این امر می‌شوند. از جمله کهولت سن، ترس از این‌که دیگران آن‌ها را سرزنش کنند، ترس از بازخواست همسران که معمولاً با حضور دختران و زنان خود برای ادامه تحصیل مخالف هستند این امر اخیر، معمولاً در روستاهای کوچک و بین افراد مسن و با تفکر سنتی، رایج است. معلّم‌ها خودشان به دنبال جذب شاگرد هستند. کمتر دیده می‌شود که شاگردان به دنبال معلّم‌ها و سوادآموزی باشند که این نشان از نداشتن آگاهی درباره اهمیت سوادآموزی است. همچنین از دیگر دلایل آنکه شاگردان خود به دنبال کسب علم نمی‌روند، نیز می‌تواند این باشد که مطالب گفته شده در کلاس‌های درس در زندگی روزمره آن‌ها کاربردی ندارد.

یافته‌ها حاکی از آن است که عدم توجه والدین به فرزندان و مخالفت با یادگیری آنان، اعتیاد والدین، مشکلات خاص خانوادگی، تبعیض‌های جنسی، عدم آگاهی در مورد اهمیت سواد، فقر فرهنگی، نداشتن معلّم و عدم انگیزه را از مشکلاتی دانسته‌است که باعث محرومیت سوادآموزان، نهضتی از تحصیل شده‌اند مخالفت خانواده و نارضایتی همسر، مسئولیت زندگی و مشغله‌های روزانه از مهم‌ترین دلایل عدم حضور سوادآموزان در کلاس می‌باشند. این‌ها دلایلی هستند که بیشتر از سایر دلایل از طرف سوادآموزان مطرح می‌شوند. معلّم‌های نهضت، گروه شهرنشین را به دلیل مشغله‌های روزمره کمتر و وقت آزاد بیشتر و اهمیت دادن به آموختن و یادگیری در مقایسه با گروه روستانشین، فعال‌تر دانسته‌اند و آن را ناشی از فرهنگ غنی‌تر و حمایت بیشتر خانواده‌ها، دانسته‌اند.

چالش دوم این مرحله، مقوله چالش روش‌های تدریس و آموزش است که خود شامل ۸ عامل است. این چالش‌ها گاهی به خود معلّمان برمی‌گردد که در تدریس و روش‌های کلاس‌داری مشکل دارند. مثلاً با روش‌های نوین مدیریت کلاس، این دسته از سوادآموزان آشنا نیستند و یا روش‌های تدریس جدید را نمی‌توانند کامل اجرا کنند. به طوری که روش

۶- سرمایه گذاری و برنامه‌ریزی بلند مدت در حوزه آموزش به بزرگسالان برای تولید فکر و تحول در نگرش و دید اقتصادی و مرزی مردم این استان با توجه به تنوع زیستی و محیطی استان کردستان نسبت به علم و سواد و سوق دادن آن به سمت و سوی اهداف کلان تر در سوادآموزان، باعث افزایش مشارکت افراد در کلاس‌های نهضت می‌شود.

۷- فراهم کردن امکان تقویت و توسعه مهارت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای در سوادآموزان و آموزشیاران به تقویت حوزه تعلیم و تربیت کمک کند.

۸- فرهنگ‌سازی دوره نهضت سوادآموزی در جامعه بزرگسال استان کردستان، از راه رسانه‌های مختلف به ویژه رادیو و تلویزیون استانی، می‌تواند موجب حضور پررنگ تر افراد در کلاس‌های نهضت شود.

۹- اصلاح محتوای درسی سوادآموزان و تدوین کتب درسی با توجه به نیازهای خاص سوادآموزان در این استان به صورت کاربردی، برای سوادآموزان جذاب تر است. مثلاً تاکید بر امور کشاورزی و باغداری و دامپروری.

۱۰- تشویق و استخدام سوادآموزانی از این استان که بتوانند مقطع متوسطه را در نهضت بگذرانند، می‌تواند برای دیگر سوادآموزان جهت شرکت در دوره‌های نهضت سوادآموزی مفید باشد.

محدودیت

این پژوهش در روند اجرا، همواره با مشکلاتی مواجه بود از جمله، کمبود پژوهش‌های علمی آکادمیک صورت گرفته در این زمینه، دسترسی سخت به معلمان نهضت و عدم آمادگی آن‌ها جهت مشارکت در مصاحبه‌ها و عدم پشتیبانی مالی و معنوی از پژوهش‌هایی با موضوع پژوهش حاضر.

منابع

۱. احمدرش، رشید. (۱۳۹۶). تاریخ سوادآموزی (مطالعه موردی سوادآموزی در استان کردستان)، مجله مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، ش ۴، صص: ۳۳-۵۱.
- ۲- شیخی، مهرنوش. (۱۳۸۳). آموزش بزرگسالان ضرورت حیاتی قرن حاضر. نشریه تعاون و کشاورزی، (پیاپی ۲۴۱)، ش ۱۵۲.
- 3- Smith, M. C. & Defretes, N. Densch. A. (ED). (2009) Handbook of Research on Adult learning and development . P: 75, Oxford press.
- ۴- زندوانیان نایینی، احمد، صفایی مقدم، مسعود و سیاسی، حسین. شناسایی و تحلیل فلسفه آموزشی مربیان آموزش بزرگسالان استان یزد. (۱۳۸۷) مجله علوم تربیتی (علوم تربیتی و روانشناسی)، دوره ۵، ش ۳، صص: ۲۶-۳.

معلم‌های نهضت را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ به بیان تجارب زیسته و پیشنهادات مصاحبه‌شوندگان در جهت عملکرد بهتر سوادآموزی پرداخته شد که عمده پیشنهادات شامل مواردی خطاب به دولت و خانواده‌ها بود: تشویق سوادآموزان به فراگیری سواد، آگاه‌سازی مردم از اهمیت سواد و سوادآموزی از طریق فرهنگ‌سازی، حمایت بیشتر مالی و حقوقی از آموزش‌دهندگان نهضت، همکاری بیشتر نهادهای فرهنگی در جذب سوادآموزان، اختصاص امتیازات و بسته‌های تشویقی به سوادآموزان نهضت، افزایش جایگاه شغلی معلمان نهضت، مداخله بیشتر ادارات آموزش و پرورش در جذب اولیای بی‌سواد، ایجاد اشتغال برای مردم باسواد شده در نهضت، افزایش مدت زمان کلاس‌ها و اجباری کردن حضور افراد در کلاس‌ها، اختصاص ردیف بودجه از طریق مجلس شورای اسلامی، فرهنگ‌سازی مداوم، ارائه بسته‌های حمایتی به معلمان و سوادآموزان، به روز نمودن معلمان و البته نظارت و ارزیابی بر کار معلمان می‌باشد. کاری که شاید ابتدا باید از طرف دولت شروع شده و زمینه‌ها و بسترهای آن آماده شود و سپس در گام دوم، مردم خود به میدان آمده و سایر امور را پیگیری کنند. به‌ویژه اگر احساس نیاز شود و البته مشکلاتی مانند تأمین نیازهای آن‌ها مانند نیروی کار در روستاها در فصول کار، صورت گرفته باشد.

پیشنهادات

- ۱- باتوجه به موقعیت خاص و شاغل بودن اکثر افراد استان کردستان به کار کشاورزی، برگزاری جلسات مشاوره خانواده جهت رفع مشکلات خاص خانوادگی سوادآموزان این استان در فصل مناسب، باعث آماده‌سازی آن‌ها جهت مشارکت بیشتر و بهتر در کلاس‌ها می‌شود.
- ۲- برگزاری جلسات مشاوره‌های خاص و تخصصی جهت کاهش دغدغه‌های معلمان و آموزشیاران نهضت در استان کردستان و چگونگی تطبیق خود با منطقه و سوادآموزان این استان،
- ۳- کاهش دغدغه‌های معیشتی و مالی معلمان نهضت از راه استخدام آن‌ها.
- ۴- تعامل با سوادآموزان استان و شناخت تفاوت‌های ذهنی، فرهنگی، اقتصادی آن‌ها نیازمند تخصص می‌باشد. لذا بایسته است که معلمان در این زمینه‌ها به منظور شناخت تجارب و ذهنیت‌های آنها، آموزش‌های لازم را ببینند.
- ۵- به‌روز نمودن معلمان در حوزه‌های مهارت آموزی و مدیریت کلاس و روش‌های تدریس و... از راه برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت در دانشگاه فرهنگیان.

۱۶. <https://www.amar.org.ir>. مرکز ملی آمار ایران، (تاریخ دسترسی ۹ دی، ۱۴۰۰)
- ۱۷- موسوی، سید مختار (۱۳۸۴)، سند ملی برنامه(آموزش برای همه)، تهران: موسسه فرهنگی منادی تربیت.
- ۱۸- الموسوی الخمينی، روح الله (۱۳۶۸). صحیفه امام، ج ۱۱، تهران: ناشر: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). مندرج بروی سایت: <https://www.bing.com/fa/page/210/?kind=279>
- ۱۹- رجایی پور، سعید و اکبری عمروآبادی، احمد رضا (۱۳۸۶)، بررسی نیازهای مطالعاتی نوسوادان شهری و روستایی نهضت سوادآموزی، دو ماهنامه علمی- پژوهشی دانشگاه شاهد، سال چهاردهم، شماره ۲۴، صص ۸۰-۶۵.
- ۲۰- کیخا، اسماء؛ مرزیه، افسانه و جناآبادی، حسین(۱۳۹۷)، رابطه سبک تدریس معلم با انگیزش و درگیری تحصیلی دانش آموزان، نشریه علمی پژوهش‌های آموزش و یادگیری، دانشگاه شاهد، دوره ۱۵، شماره ۲، پیاپی ۲۸، صص ۴۸-۳۷.
- 5- Spalding, D. (2014). How to teach adults. (Plan your class, teach your students, change the world), Expanded Edition, published by Jossey Bass. PP. 12-16.
- 6- Ebner, G. & Motschilnig, R. (EAEA), (2019,), The Executive Board and the Secretariat. European Association for the Education of Adults, the EAEA members press.
- 7- Raymond J. W. (2008). Enhancing adult motivation to learn: a comprehensive guide for teaching all adults, Printed in the United States of America, third edition, p 3-51
- ۸- بولا، هس(۱۳۷۳). روند تحولات و مسائل آموزش بزرگسالان در جهان. ترجمه(سیمین دخت جهان پناه). تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- 9- Sharan B. M. (2013). Adult Learning Theory for the Twenty-First Century, New direction for adult and Continuing education, no. 119, DOI: 10.1002/ace. P. 309.
- ۱۰- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره). (۱۳۸۹). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی(ره)/ج ۱۱، چاپ پنجم، تهران: موسسه چاپ و نشر عروج، صص ۴۴۷-۴۴۶
۱۱. رضایی، فاطمه (۱۳۸۸-۱۳۸۷) کیفیت آموزش بزرگسالان مقطع راهنمایی شهر اصفهان، مجله دانش و پژوهش علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان(اصفهان)، ش ۲۰، زمستان ۱۳۸۷، صص ۱۱۱-۱۲۸.
- ۱۲- رضایی، گل افروز، مهنی، امید و عزیزی، نعمت‌الله. (۱۳۹۷). چالش‌های آموزش بزرگسالان و راهکارهایی جهت بهبود: پژوهش زمینه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، ش ۲۹.
- 13- Moon, P.J. (2006), Purpose of Adult Education, ERIC Number: ED491731, Record Type: Non-Journal, P. 3
- 14- Marcella, M, Holford, J. Hodge, S, Waller. R. & Webb. S (2018) Adult Education and learning: endorsing its Contribution to the 2030 Agenda, International Journal of Lifelong Education, 36:6, pp. 625-628. 2.
- 15- Vanslambrouck., S., Chang Zhu, Bram P, Valerie T, Koen LO and, Jo T. (2018) an in-Depth analysis of adult students in blended environments: Do they regulate their Learning in an 'old School' way, Interfaculty Department of Teacher Education, Vrije University.